

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۱
دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۲۸)، صفحات: ۹۵-۱۱۲
مقاله علمی ترویجی

مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی کاشان با تکیه بر شاکله مفهومی جدل سه‌سویه لوفور

سپیده برزگر*

چکیده

اکنون، فضا به‌سان کالایی تولیدی که بارها وارد فرایندهای مبادلاتی می‌شود، با گسستن از پیوندهای خود با زمان، به امری مجرد، ذهنی و ناقص بدل شده است. لوفور با پیشنهاد مطالعه فضا در پیوند با زمان و مکان، جنبه نوینی به مطالعات از این نوع افزود. این پژوهش با بهره‌گیری از شاکله مفهومی جدل سه‌سویه یا تریالکتیک فضایی لوفور در پی آن است که تاریخ معماری و شهرسازی کاشان را مطالعه کند. جدل سه‌سویه اشاره به روش تولید فضا دارد. در این سه‌گانه، هر جامعه‌ای در هر تاریخی، واجد روشی مختص به خود برای تولید فضایی ویژه برای خود است که در همان حال، امکاناتی برای پشتیبانی از گسترش آن روش ویژه تولید دارد. در جدل سه‌سویه، بر بُعد تاریخی فضای شهری در کنار جنبه‌های فضایی آن پرداخته و ارتباط فضاهای سه‌گانه (دریافته، پنداشته و زیسته) در قالب اموری بینابینی بررسی می‌شود. این پژوهش مبتنی بر روش اسنادی است و داده‌های مورد نیاز آن بر اساس جست‌وجویی توصیفی تفسیری گردآوری شده‌اند. برای تکمیل یافته‌ها، از تحلیل محتوا و مقوله‌بندی یافته‌ها استفاده شد. ۷۲ سند تاریخی با توجه به معیارهای مختلف تعیین و مطالعه شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که فضای دریافته کاشان، واجد اندام‌وارگی، تقارن، تراکم، تکرار شونده‌گی و مرکز‌گرایی است که سلسله‌مراتب دقیقی میان فضاهای درون و بیرون دارد. بافت فشرده شهر کاشان، به‌همراه رون اصلی شهر، شعاعی بودن گذرها، و حصار مدور خود، بر اساس ملاحظات اقلیمی، فرهنگی و دفاعی شکل گرفته است. در فضای پنداشته، کاشان به‌مثابه کانون مذهبی نقش مهمی در رویدادهای تاریخی منطقه داشته که با وجود این، پیرو قدرت مرکزی بوده است. در ساحت فضای زیسته کاشان، آیین‌های مذهبی اصلی‌ترین عامل حضور جمعی مردم در فضاهای شهری بوده که بنا به مناسبت و رویدادهای خود، فضای زیسته متفاوتی در شهر ایجاد می‌کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جدل سه‌سویه، فضای شهری، معماری، کاشان، لوفور.

مطالعه تاریخ معماری
و شهرسازی کاشان با
تکیه بر شاکله مفهومی
جدل سه‌سویه لوفور

* استادیار گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی هنر شیراز، شیراز، ایران / barzegarsepide@honarshiraz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۰



۱. مقدمه

در دوران معاصر، فضا به سان کالایی قابل تولید و مصرف با ورود به فرایند عرضه و تقاضا، از زمان جدا و به امری مسلط، ناقص و انتزاعی تبدیل شده است (Lefebvre, 1974: 400-420). مطالعه فضا از دیدگاه لوفور، در پیوند با زمان و مکان، این امکان را فراهم می‌آورد تا جنبه‌های تاریخی فضا بر اساس پیچیدگی خاص آن بررسی شود (Ibid: 15).

برای آنکه بتوان فضا را در پیوند با زمان مطالعه کرد، باید به مطالعه تاریخی فضا پرداخت (شورچه، ۱۳۹۳: ۷۲). این مطالعه مستلزم کاربست چهارچوب نظری ویژه‌ای است که تحولات نظم فضایی را بر اساس شیوه‌های تولید آن در نظر می‌گیرد (Lefebvre, 1974: 86).

تریالکتیک فضایی یا جدل سه‌سویه، با توجه به تاریخ فضا، اشاره به سه جزء فضایی و در پیوند با یکدیگر دارد که در عین تضاد و انفکاک از هم، یکدیگر را تاب می‌آورند (کلمن، ۱۳۹۶: ۱۳۴). به باور لوفور (۱۹۷۴)، بر طبق آن، فضا متشکل از سه گونه دریافتی، پنداشته و زیسته است که هر یک ساحت بعد مختلفی از جامعه‌اند: فضای دریافتی یا فضای ساختمان‌ها و شهر؛ فضای پنداشته یا فضای متخصصان حوزه محیط مصنوع مانند معماران، شهرسازان، نقشه‌برداران و حتی، جغرافی‌دانان؛ و فضای زیسته یا فضای مردمان.

در این پژوهش با تکیه بر روش مطالعات اسنادی، داده‌های مورد نیاز از منابع مختلف گردآوری شد که شامل جست‌وجویی توصیفی تفسیری بود. سپس برای کامل شدن تحلیل اسنادی، از تحلیل محتوا استفاده شد تا بررسی تاریخی فضای معماری و شهرسازی در شهر کاشان انجام شود. سندهای تاریخی مورد استفاده عبارت‌اند از: مقاله‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، سفرنامه‌ها و حکایت‌ها که هر یک به طریقی به مقوله‌های فضای معماری و شهرسازی در کاشان و در سه بعد دریافتی، پنداشته و زیسته اشاره داشتند. بدین ترتیب، ۷۲ سند تاریخی انتخاب، مطالعه و سپس با توجه به موضوع پژوهش تحلیل شدند. برای مطالعه فضاهای سه‌گانه در شهر کاشان، پس از مطالعه و تحلیل منابع مطالعاتی، برجسته‌ترین مقوله‌های فضایی بررسی و کاوش شدند. پس از استخراج این مقوله‌ها، با استفاده از روش تحلیل موضوعی، مقوله‌ها در ارتباط با سه فضای دریافتی، پنداشته و زیسته دسته‌بندی شدند.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. فضا در ارتباط با زمان و مکان

طی نخستین سال‌های سده بیستم، نظریه نسبیت انیشتین به میان آمد و همچنین، پیشرفت‌هایی در

حوزه علم فیزیک مطرح شد. افزون بر این، بعد زمان در هنر، فضا را به زمان پیوند زد و پیوستاری ایجاد کرد که چهار بعد را (فضا، زمان، مکان و فعالیت‌ها) در بر می‌گرفت (Madanipour, 1996: 20). در حیطه مطالعات شهری، مفهوم زمان فضا مندم یا فضای زمانمند پیش کشیده شد که به دنبال تجربه‌کاوی و مشاهده واقیعت‌هایی بود که در فضاهای اجتماعی روی می‌داد (Lefebvre, 1992). از آن پس، فضا آن واسطه منفعل و بعید نبود و همراه با نهادهای اجتماعی، دگرگونی‌هایی در سامان‌دهی آن جست‌وجو شد. بررسی فضا همراه با زمان، به مکانمندی زمان منجر شد (کرنگ و ثریفت، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵). کنش و واکنش میان زمان و فضا سبب شد تا زمان به مکان بازگردد و زمان مکانمند یا فضای زمانمند در مطالعات شهری در نظر گرفته شود (Lefebvre, 1992: 89).

به باور کوهن (۲۰۰۳)، ناهمگونی و گسیختگی منجر به تضاد و کثرت می‌شود و زمان بر آن دامن می‌زند (Cohn, 2003: 41). دوسرتو (۱۹۸۴) تضاد را شگردهای غیررسمی افراد در برابر مداخله‌های از پیش اندیشیده‌شده در بهره بردن از فضاهای عمومی می‌داند (de Certeau, 1984) که از دیدگاه لوفور (۱۹۷۴)، نمود مقاومت در برابر این مداخله‌ها، در تلاقی فضایی رخ می‌نماید؛ تلاقی میان فضای بازنمایی متشکل از نمادهای خلاقانه و پیچیده زندگی اجتماعی، و بازنمایی فضا به سان نظم اجباری برتر و ابزار انگاره‌های تخصصی شهرسازان و معماران (Lefebvre, 1974). در مطالعات شهری امروز، فضای جغرافیایی و سطح پوچ که به امری اقلیدسی و هندسی تعبیر می‌شود، جای خود را به فضای اجتماعی داده است (Laurier & Philo, 2007: 260). در نظر گرفتن فضا در ارتباط با زمان و مکان سبب می‌شود تا رویکرد مقایسه‌ای جایگزین نگاه مطلق‌گرا شود (Lefebvre, 1992: 83). زمان و فضا در ارتباط متقابل با یکدیگرند (Ibid: 8) و فضا و زمان در مکان نمود می‌یابند (Idem, 1974: 97)؛ بنابراین زمان مکانمند یا فضای زمانمند شکل می‌گیرد (Idem, 1992: 89).

۲-۲. فضا از دیدگاه اقتصاد سیاسی

امروزه برای پی بردن به ماهیت فضا باید به مطالعه تاریخی فضا پرداخت (شورچه، ۱۳۹۳: ۷۲). از جمله منابع مهم برای مطالعه فضا بر اساس دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی، کتاب تولید فضا اثر لوفور است که برترین یافته‌های او درباره شهر و فضای شهری را در برمی‌گیرد. او طی شش سال (۱۹۶۸-۱۹۷۴)، مقارن با جنبش‌های انقلابی بدین موضوع پرداخت (Merrifield, 2006: 99). پس از گذشت ۱۷ سال، در سال ۱۹۹۱، این کتاب به زبان انگلیسی برگردانده شد. از آن پس،

لوفور هرچه بیشتر، به فیلسوفی نامدار در حوزه مطالعات فضای شهری بدل و آثارش، در مطالعه اجتماعی فضا بسیار تأثیرگذار شده بود (Aronowitz, 2007: 133).

او چهارچوب نظری قدرتمندی را برای مطالعه رابطه سه‌سویه (تریالکتیک) میان اجزای مؤثر بر دگرگونی‌های فضایی ارائه داد (Elden, 2006: 192). این چهارچوب نظری کمک می‌کرد تا تحولات مربوط به نظم فضایی بر اساس شیوه‌های تولید فضا بررسی شود. لوفور در کتاب یادشده، به ناسازی طبقه‌های فروست با قشر فرادست در شهر پرداخت و همچنین، چگونگی شکل‌گیری فضای اجتماعی را برای پدیداری هر دو گروه شرح داد (Lefebvre, 1974: 86). او نشان داد که شهرها مرکز تبادل میان این دو گروه‌اند و تناقض میان آن‌ها در فضا به منصفه ظهور می‌رسد. برای نمونه، او به شهرهای صنعتی اشاره دارد و نشان می‌دهد که این شهرها، افزون بر آنکه مرکز اصلی تولید کالاهای صنعتی‌اند، فضایی اجتماعی برای بنیان نهادن روابطی ناسازگار میان دو طبقه اجتماعی به شمار می‌آیند. در حقیقت، شهرهای صنعتی، مکانی برای شکل‌گیری ارتباط‌های دوسویه و منتج از تولید است (Shields, 1999: 152). هاروی (۱۹۸۱) در ادامه پژوهش‌های لوفور نشان داد که این امر فقط به محدوده جغرافیایی خاصی بستگی ندارد (Harvey, 1981: 9).

لوفور (۱۹۷۰) تولید و تصرف فضا را به‌مثابه ابزارهایی برای ابقای قدرت معرفی می‌کند و اگر مثال پارک‌های صنعتی را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که آن‌ها فضاهایی نو و راهکاری شایع برای اشاعه تولید صنعتی‌اند (Lefebvre, 1970: 163). راهکارهایی از این دست، با سازوبرگ دادن به قدرت، طبقه نوینی از کارگرانی را ایجاد می‌کنند که به‌تازگی به استخدام صنعت درآمده‌اند و بدین‌سان، ارتباط میان کارگران و طبقه فرادست، در قالب تولید فضایی نو، از نو تولید می‌شود (Lefebvre, 1973: 43-45).

۳-۲. جدل سه‌سویه یا تریالکتیک فضایی

دیالکتیک واژه‌ای یونانی و برگرفته از واژه دیالگو است که مباحثه و مناظره معنی می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۸۰: ج ۶، ۷۱). همچنین این واژه را به «مطالعه باورها بر اساس منطق، پرسش و پاسخ» تعبیر کرده‌اند (آریانپور و آریانپور، ۱۳۸۵: ج ۱، ۶۱۹). برخی هراکلیتوس و عدده‌ای دیگر، سقراط را خالقان آن می‌دانند. سقراط به‌شیوه مناظره و افلاطون، به کسب عقلانی معرفت در دیالکتیک تأکید ورزیده‌اند؛ اما هگل سه مرحله تز، آنتی‌تز و سنتز را به میان آورد. مارکس و انگلس به پیروی از او، این سه مرحله را در مطالعه امور اجتماعی دنبال کردند (طباطبایی، ۱۳۸۰:

ج ۶، ۷۱). با وجود این، لوفور (۱۹۷۴) بُعد دیگری بر این سه‌گانه افزود و پیوندی ناسازگار را میان پیکره و معنا قائل شد (Lefebvre, 1974: 27). او سازمان‌دهی مکان‌های شهری را با توجه به روابط زیستی و کالبدی‌شان بررسی می‌کند. لوفور مقوله زمین در آرای مارکس را به فضا بدل نمود و از رهیافت دیالکتیک، به دیالکتیک سه‌سویه یا تریالکتیک دست یافت (Ibid). لوفور اذعان می‌دارد که در هر جامعه‌ای، روشی برای تولید فضا به کار می‌رود و با کاربست این روش، فضایی مختص به همان جامعه تولید می‌شود که با بسط آن روش‌های تولید، از همان فضای تولیدشده پشتیبانی می‌گردد (Goonewardena, 2008: 62). در فهم تریالکتیک فضایی باید توجه داشت که شهرنشینی تلاطمی نو در جامعه نوین امروز ایجاد کرده که مسئله شهری نام دارد و شامل تبدیل طبیعت و زندگی اجتماعی روستایی به فضایی مصنوع و فرهنگ شهری است (Lefebvre, 1970: 15-16). موضوع دیگر در تریالکتیک فضایی، هم‌نشینی جنبه تاریخی فضای شهری با جنبه فضایی آن است (Elden, 2006: 195). در حقیقت، شهرنشینی به معنای طی شدن رویه دگرگونی‌های فضایی است (Lefebvre, 1970: 5).

تریالکتیک فضایی یا جدل سه‌سویه، شامل سه جزء در پیوند با یکدیگر است که این پیوند و هم‌نشینی مانع از حفظ هویت یگانه آن‌ها نشده است. در حقیقت، این سه جزء از منطق دوگانه گریزان‌اند و در عین تضاد و انفکاک از هم، یکدیگر را تاب می‌آورند. هم‌نهادی، هدف غایی در جدل سه‌سویه به شمار نمی‌آید، بلکه به هم پیوند زدن جنبه‌های عینی موضوع مورد پژوهش است. بنابراین در جدل سه‌سویه، بر دوگانگی پدیده‌ها و نقش بینابینی فضا به‌منزله عامل سوم تأکید می‌شود (کلمن، ۱۳۹۶: ۱۳۴). این سه جزء فضایی عبارت‌اند از: فضای دریافته، فضای پنداشته و فضای زیسته که لوفور آن‌ها را «کنش فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضای بازنمایی‌شده» می‌نامد. این سه، به‌نوبه خود، به سه شیوه تولید فضا اشاره دارند: نخست روش مادی یا کنش فضایی^۱، دوم روش ذهنی یا بازنمایی فضا^۲ و سوم روش زیستی یا فضای بازنمایی^۳. این سه‌گانه، در ارتباط با فضا بدین ترتیب‌اند: فضای دریافته^۴ (کنش فضایی یا تمهیدات فضایی در شهر)، فضای پنداشته^۵ (بازنمایی‌های فضا حاصل اقدامات دولتی، و فعالیت‌های کارشناسان برنامه‌ریزی فضا) و فضای زیسته^۶ (فضای بازنمایی‌شده، بازتاب زندگی روزانه افراد) (Merrifield, 1993: 173).

مطالعه تاریخ معماری
و شهرسازی کاشان با
تکیه بر شاکله مفهومی
جدل سه‌سویه لوفور

کنش فضایی بر درک کلی جهان تکیه دارد. ادراک فضا، حاصل کشمکش عقل سلیم با تناقض‌های زندگی روزمره است. با کنش فضایی است که امکان تولید و بازتولید مکان ایجاد

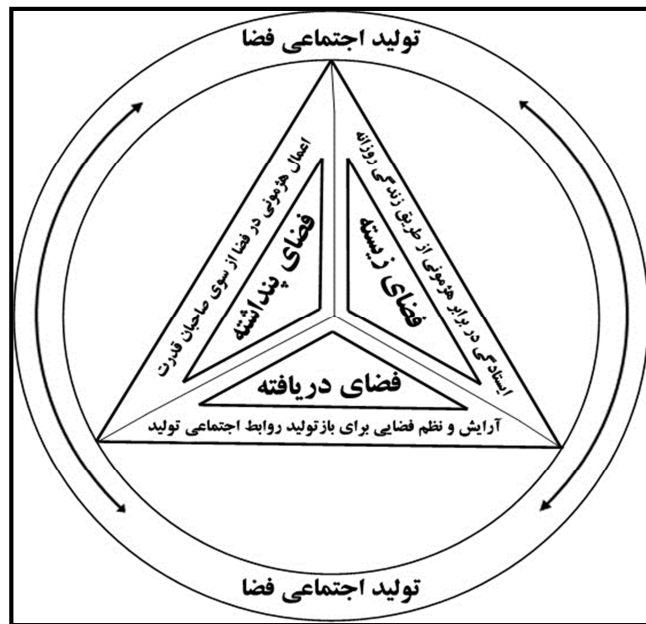
می‌شود و فضای ایجادشده به تولید فضایی اجتماعی می‌انجامد. در این گام، پیکره کلی ساختمان‌ها، شهر و منطقه‌های آن به چشم می‌آید. به همین دلیل است که فضای دریافته خوانده می‌شود. «کنش فضایی دربرگیرنده تولید و بازتولید مکان‌ها و محیط‌های فضایی است که شیوه پیدایش جامعه را بیان می‌کنند». کنش فضایی «بر پیوستار و انسجام (فضایی- اجتماعی) تأکید دارد». این انسجام به معنای «قابلیت و کارکرد اجزای تشکیل دهنده فضا و ارتباط افراد جامعه با فضا» است. در حقیقت، کنش فضایی آن گونه‌ای از کنش اجتماعی است که به تجربه و ادراک راه می‌یابد (Lefebvre, 1974: 33-34).

بازنمایی فضا دربرگیرنده حوزه‌هایی از دانش و تخصص است که با فضا پیوند دارند. برای مثال، نقشه‌برداری، جغرافی، معماری و شهرسازی از آن جمله‌اند. در این حوزه‌ها، فضا در قالب منطقی، ریاضی و مختصاتی آن در نظر گرفته و بیان می‌شود. بازنمایی فضا یا فضای پنداشته، فضای برنامه‌ریزان، دانشمندان، عهده‌داران تفکیک زمین، شهرسازان، مهندسان اجتماعی و هنرمندانی است که با گرایش علمی ویژه‌ای، به شناسایی فضا می‌پردازند. بازنمایی فضا ساحت تولیدکنندگان فضا است که آن را به صورت امری ذهنی تلقی می‌کنند (Ibid: 33-38). تولیدکنندگان و متخصصان فضا بر بازنمایی انتزاعی فضا به باوری انتزاعی و کنشی انتزاعی می‌انجامد (Ibid: 39-41).

فضای بازنمایی یا فضای زیسته حاصل گفتمان‌های فضا و رسوب تاریخ در زندگی روزمره است. در این فضا، لحظه با زیست آدمیان همراه می‌شود. تجسم در این فضا، امری پیچیده و رمزآلود، آشکار یا نهان است. این فضا به اندیشیدن و تصور فضا ارتباط دارد. فضای بازنمایی واجد نظمی منسجم و متشکل از نمادهای ملموس و غیرکلامی است. فضای زیسته، راوی «عنصر خیال و نماد است که از تاریخ مردم ریشه گرفته و در تجربه زیسته ساکنان شهر ریشه دوانده است. فضای زیسته، فضایی زنده است؛ حس مکان مختص به خود را دارد؛ دربرگیرنده موقعیت‌ها و کنش‌هایی است که آن‌ها را زیسته‌ایم؛ از این‌رو امری زمانمند، جاری و سرزنده است. در فضای بازنمایی، تجربه زیسته و بی‌واسطه مردم با نمادها و تصویرها پیوند می‌یابد. فضای زیسته، فضای همه‌افزادی است که به گونه‌ای آن را زیسته‌اند. این فضا جبابی بر فضای کالبدی و امری کیفی است (Ibid: 39-42).

همان گونه که تصویر ۱ نشان می‌دهد، تولید اجتماعی فضا در این جدل سه‌سویه شکل می‌گیرد. این جدل میان سه فضای یادشده (دریافته، پنداشته و زیسته) در جریان است. فضای

دریافته آن نظم فضایی است که در آن روابط اجتماعی تولید، بازتولید می‌شوند. فضای پنداشته محل اعمال هژمونی قدرت است و در مقابل، فضای زیسته، در برابر این هژمونی مقاومت می‌کند (Ibid).



تصویر ۱: جدل سه‌سویه و اجزای آن (حیبی و برزگر، ۱۳۹۷: ۵۱)

۳. پیشینه پژوهش

در مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی شهرهای مختلف، پژوهش‌های متعددی از جدل سه‌سویه استفاده کرده‌اند. جدول ۱ برخی از این پژوهش‌ها و جزئیات بیشتری را نشان می‌دهد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

پژوهشگران (سال)	موضوع و مورد پژوهش	روش پژوهش	مقوله‌های پژوهش	یافته‌های پژوهش
Lefebvre (1960)	نواحی روستایی شهری مورن، فرانسه	مطالعه اسنادی، مصاحبه و مشاهده	ساختارهای اجتماعی، بهره‌وری صنعتی-کشاورزی و حرکت‌های جمعیتی	تعامل میان طبقه‌های اجتماعی، ساخت و باز ساخت، تعریف و بازتعریف آن‌ها و در نتیجه، شکل‌گیری فضای اجتماعی جدید؛ زاده شدن فضای شهری از کنش‌های مادی، اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و روزمره

مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی کاشان با تکیه بر شاکله مفهومی جدل سه‌سویه لوفور

پژوهشگران (سال)	موضوع و مورد پژوهش	روش پژوهش	مقوله‌های پژوهش	یافته‌های پژوهش
Simpson (2008)	بررسی فضای دریافته، پنداشته و زیسته در لندن	استناد به جدل سه سویه در کاوش رفتارهای حرکتی افراد در فضا	تأثیر متقابل فضای پنداشته و زیسته در مطالعه رفتارهای حرکتی مردم در فضاهای شهری	بازتاب جزئیات از زندگی روزمره در فضای زیسته و تقابل آن با فضای پنداشته
Prescott (2011)	بازنمایی فضاهای شهری لندن در روایت‌ها و داستان‌ها	استفاده از جدل سه سویه و نظریه تولید فضا با رجوع به داستان‌های معاصر	مطالعه افسانه‌ها، تاریخ و ادبیات به منزله بستر وقوع روایت‌ها	نقش‌پذیری فضاهای شهری بر اساس رویدادهای زندگی روزمره
Schmider (2012)	مطالعه فضای دریافته، پنداشته و زیسته در شهر بلفاست	خوانش داستان‌های معاصر	نقش‌پذیری قهرمانان داستان در زندگی شخصی و اجتماعی	بازنمایی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی در فضای روایتی داستان‌ها و بازنمایی‌های فضای.
Lehtovuori & Koskela (2013)	تولید اجتماعی فضا در شهر لیسبون	روش قوم‌نگاری؛ مشاهده مستقیم؛ پژوهش میدانی	معیارهای مؤثر بر تأثیر متقابل فضای دریافته، پنداشته و زیسته	فضای شهری به‌سان ضد مثالی در برابر سلطه‌گفتمان غالب.

۴. روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش اسنادی است که در پژوهش‌های علوم اجتماعی و شهری کاربرد بسیاری داشته است. در این روش، داده‌های مورد نیاز درباره رویدادها و پدیده‌ها، از منابع مختلف گردآوری می‌شود که شامل جست‌وجویی توصیفی تفسیری است. سپس برای کامل شدن تحلیل اسنادی، می‌توان از تحلیل محتوا استفاده کرد. روش تحلیل محتوا کمک می‌کند تا محتوای متن‌های مختلف با یکدیگر تطبیق و تدقیق داده شود. با کمک روش تحلیل محتوا می‌توان جنبه‌های پنهان را نیز در نظر گرفت. برای تحلیل محتوا باید به شناخت مسئله، پیکره‌بندی، مقوله‌یابی و سپس شمارش یا تفسیر پرداخت. در این پژوهش، از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا برای بررسی تاریخی فضا در شهر کاشان استفاده شد. سندهای تاریخی مورد استفاده عبارت‌اند از: مقاله‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، سفرنامه‌ها و حکایت‌ها که هر یک به طریقی به مقوله‌های فضای کاشان در سه بعد دریافته، پنداشته و زیسته اشاره داشتند. تا زمان نگارش این مقاله در سال ۱۴۰۰، با استناد به پایگاه کتابخانه‌ای نور و منابع آن، حدود ۱۰ هزار کتاب تاریخی

و ۱۲ هزار مقاله وجود داشته که به گونه‌ای به تاریخ کاشان پرداخته‌اند. با توجه به منابع مطالعاتی در دسترس، بررسی تاریخی این مقاله از دوران صفوی تا پهلوی را شامل می‌شود. منابع گردآوری شده بر اساس پنج معیار اعتبارسنجی شدند: الف. زمان انتشار سند تاریخی؛ ب. یافتن سندی قدیمی‌تر از سند مورد نظر؛ ج. مهارت نویسندگان در نگارش سند؛ د. ناشر سند. با توجه به این پنج معیار، مواردی برگزیده شد که از بیشترین پیوند موضوعی و پشتوانه تاریخی برخوردار بودند. بدین ترتیب، ۷۲ سند تاریخی انتخاب، مطالعه و سپس با توجه به موضوع پژوهش، تحلیل شدند.

۵. یافته‌های پژوهش

شهر کاشان واقع در استان اصفهان، در مجاورت کویر قرار دارد. از نظر جغرافیایی، کاشان را جزئی از سرزمین «جبال» می‌دانند و به گفته لطفعلی بیگ، کاشان جزء اقلیم چهارم است (بیرشک، ۱۳۷۴: ۳۸۱). به گفته مستوفی در سده هشتم، مردم کاشان بسیار به مذهب تشیع پایبندند. او این مردمان را حکیم وضع و لطیف طبع می‌نامد (افشار، ۱۳۵۵: ۴۳۱). در اسناد مختلف، کاشان را به قاسان، کاسان و قاشان نامیده‌اند. نام کاشان را برگرفته از پادشاهان باستانی (کی آشیان)، رودخانه کاسه و معرب آن قاسان، سکونت قوم کاس یا کاش (کاشو) می‌دانند. همچنین کاشان را برگرفته از واژه کاش و کاشانه به معنای معبد یا مکان برگزاری جشن، قلعه‌های چهل حصاران و کاهفشان دانسته‌اند (صادقی، ۱۳۸۶: ۳۶-۴۰). پرداختن به شهر کاشان، با توجه به سابقه تاریخی این شهر موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است. مجموعه سندهای تاریخی که شهر کاشان را از جنبه‌های گوناگونی مطالعه کرده‌اند، به چندین مقوله‌های پرتکرار پرداخته بودند که جدول ۲ آن‌ها را نشان می‌دهد.

سپس با توجه به جدول ۲ و پرتکرارترین مقوله‌هایی که در این سندهای تاریخی آمده است؛ اصلی‌ترین مقوله‌هایی استخراج شد که با تاریخ معماری و شهرسازی کاشان ارتباط داشتند و در مجموع، شامل ۷۲ سند تاریخی است که در جدول ۲ آمده‌اند. پس از آن، ارتباط موضوعی آن‌ها با فضاهای سه‌گانه (دریافته، پنداشته و زیسته) تدقیق و برجسته‌ترین مقوله‌های فضایی (مرتبط با معماری و شهرسازی کاشان) طبق جدول ۳ کاوش شدند.

جدول ۲: پژوهش‌های مرتبط با تاریخ کاشان و مقوله‌های پرتکرار

منابع مطالعاتی تاریخی	اصلی‌ترین مقوله‌های پرتکرار درباره تاریخ کاشان (تعداد دفعات ذکر شده در سند تاریخی)
۳۷. شاردن (۱۳۶۳)	۱. افشار (۱۳۵۵)
۳۸. شاطری (۱۳۸۵)	۲. اولیویه (۱۳۷۱)
۳۹. شجری (۱۳۸۴)	۳. آبروی (۱۳۳۶)
۴۰. شیرین‌بخش و همکاران (۱۳۹۶)	۴. آروین و نیازی (۱۳۸۵)
۴۱. صادقی (۱۳۸۶)	۵. آژند (۱۳۸۷)
۴۲. صدرایی خوبی (۱۳۷۳)	۶. بزرگ‌زاد (۱۳۵۰)
۴۳. صدری (۱۳۷۶)	۷. بلاذری (۱۳۶۴)
۴۴. طاهباز و همکاران (۱۳۹۱)	۸. بیرشک (۱۳۷۴)
۴۵. طاهباز و همکاران (۱۳۹۲)	۹. پاکدامن (۱۳۸۵)
۴۶. طبیبان و همکاران (۱۳۹۰)	۱۰. جعفریان (۱۳۷۶)
۴۷. عباس نیا و همکاران (۱۳۹۰)	۱۱. جم (۱۳۹۵)
۴۸. غفوریان و همکاران (۱۳۹۶)	۱۲. چیت‌سازیان (۱۳۹۱)
۴۹. فتوحی رودم‌مجنی (۱۳۹۳)	۱۳. حائری (۲۰۱۲)
۵۰. فلاندن (۱۳۵۶)	۱۴. حائری و همکاران (۱۳۸۳)
۵۱. فیگوئرا (۱۳۶۳)	۱۵. حسینی (۱۳۹۰)
۵۲. قاضی و همکاران (۱۳۹۲)	۱۶. حیاتی و همکاران (۱۳۹۶)
۵۳. کلاتر ضرابی (۱۳۸۷)	۱۷. حیدرخانی (۱۳۹۴)
۵۴. کلمر (۱۳۸۵)	۱۸. حیدری و همکاران (۱۳۹۶)
۵۵. کیانی (۱۳۶۵)	۱۹. خدابخشیان و مفیدی (۱۳۹۳)
۵۶. کرزن (۱۳۸۰)	۲۰. دادور و همکاران (۱۳۹۵)
۵۷. گرجی مهبلیانی و همکاران (۱۳۹۰)	۲۱. دالمانی (۱۳۳۵)
۵۸. گلچین معانی (۱۳۷۴)	۲۲. دلاواله (۱۳۴۸)
۵۹. محمدی و مختاری (۱۳۹۷)	۲۳. دیولافوا (۱۳۳۲)
۶۰. مزرعتی (۱۳۹۴)	۲۴. راوندی (۱۳۵۴)
۶۱. مشکوتی (۱۳۴۶)	۲۵. راوندی (۱۳۶۳)
۶۲. موقر و همکاران (۱۳۹۴)	۲۶. رجبی (۱۳۸۵)
۶۳. ناجی نصرآبادی (۱۳۸۷)	۲۷. رحمانیان و میرزایی (۱۳۹۷)
۶۴. ناصربخت (۱۳۸۱)	۲۸. رزمجو (۱۳۹۰)
۶۵. نجومیان (۱۳۸۷)	۲۹. رضایی پور و ایرانی بهبهانی (۱۳۹۵)
۶۶. نراقی (۱۳۴۳)	۳۰. زارع و همکاران (۱۳۹۱)
۶۷. نراقی (۱۳۴۵)	۳۱. زندیه و پروردی نژاد (۱۳۸۹)
۶۸. نراقی (۱۳۸۲)	۳۲. زنگنه (۱۳۸۵)
۶۹. نصر (۱۳۷۳)	۳۳. سادات بیدگلی (۱۳۹۶)
۷۰. نوایخش و همکاران (۱۳۹۳)	۳۴. سلطان محمد میرزا قاجار (۱۳۶۴)
۷۱. وارثی و همکاران (۱۳۸۵)	۳۵. سلمانی (۱۳۷۵)
۷۲. وامبری (۱۳۸۱)	۳۶. سید کباری (۱۳۷۸)

جدول ۳: دسته‌بندی مقوله‌های فضایی مستخرج از منابع مطالعاتی و مصداق‌های تاریخی آن

فضای دریافته		
مقوله‌های اصلی	مصداق‌های تاریخی	منابع مطالعاتی
ویژگی‌های کابردی خانه‌ها	نظم اندام‌واره، متقارن، متراکم، تکرارشونده و مرکزگرا یا پیکره‌های ساده پیرامون حیاط مرکزی، تفکیک دقیق فضای درون و بیرون با رعایت سلسله‌مراتب مشخص، دسته‌بندی عملکردی.	دیولافوا (۱۳۳۲)؛ شاردن (۱۳۳۶)؛ نراقی (۱۳۴۵)؛ مشکوتی (۱۳۴۶)؛ افشار (۱۳۵۵)؛ صدرایی خوبی (۱۳۷۳)؛ بیرشک (۱۳۷۴)؛ کلاتر ضرابی (۱۳۷۸)؛ نراقی (۱۳۸۲)؛ حسینی و همکاران (۱۳۸۳)؛ آروین و نیازی (۱۳۸۵)؛ بیدگلی و ساروخانی (۱۳۸۷)؛ پاکدامن (۱۳۸۵)؛ وارثی و همکاران (۱۳۸۵)؛ سادات بیدگلی و ساروخانی (۱۳۸۷)؛ نساجی نصرآبادی (۱۳۸۷)؛ نجمیان (۱۳۸۷)؛ زندیه و پروردی نژاد (۱۳۸۹)؛ گرچی مهبلیانی و همکاران (۱۳۹۰)؛ طیبیان و همکاران (۱۳۹۰)؛ رضایی پور و ایرانی بیهسانی (۱۳۹۵)؛ زارع و همکاران (۱۳۹۱)؛ قاضی و همکاران (۱۳۹۲)؛ خدابخشیان و مفیدی (۱۳۹۳)؛ نوابخش و همکاران (۱۳۹۳)؛ موقر و همکاران (۱۳۹۴)؛ دادور و همکاران (۱۳۹۵)؛ حیاتی و همکاران (۱۳۹۶)؛ حیدری و همکاران (۱۳۹۶)؛ غفوریان و همکاران (۱۳۹۶)؛ محمدی و مختاری (۱۳۹۷).
جانمایی بناها و گذرها	فشرده‌گی بافت با بیشترین دیوارهای اشتراکی و جهتگیری اصلی شمال به جنوب در کوچه‌های شعاعی	
شاکله فضایی شهر	محدود بودن هندسه شهر در دایره‌ای محصور و نفوذپذیر با دروازه‌هایی مشخص، گسترش محور اصلی فرهنگی-اجتماعی شهر در راستای بازار با هندسه مرکزگرا، تفکیک دقیق بافت شهر بر اساس ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و مذهبی افراد.	
استخوان‌بندی شهر	شکل‌گیری فضاهای جمعی در تقاب و حجاب در محل گذرهای اصلی	
نظم فضایی کابردی	شکل‌گیری اولیه هسته شهر در مسیرهای ارتباطی میان واحدهای زیستی حافظ منابع آب	
تسلسل فضایی	محسوریت کامل فضاهای شهری با گذرهای سرپوشیده، طاق‌ها و پیاده‌راه‌ها و فضاهای حائل	دیولافوا (۱۳۳۲)؛ نراقی (۱۳۴۳)؛ نراقی (۱۳۴۵)؛ فلاذن (۱۳۵۶)؛ بیرشک (۱۳۷۴)؛ کلاتر ضرابی (۱۳۷۸)؛ نراقی (۱۳۸۲)؛ وارثی و همکاران (۱۳۸۵)؛ محمدی و مختاری (۱۳۹۷).
نظام دفاعی	فراوانی و پراکندگی قلعه‌های حافظ مجتمع‌های زیستی	
فضای پنداشته		
مقوله‌های اصلی	مصداق‌های تاریخی	منابع مطالعاتی
پیدایش و پختنایش تاریخی نهادهای قدرت	مدیریت منابع محدود آب، جدال گروه‌های قومی- مذهبی، استقرار کانون تشیع در شهر	نراقی (۱۳۴۵)؛ افشار (۱۳۵۵)؛ نراقی (۱۳۸۲)؛ جعفریان (۱۳۷۶)؛ صادقی (۱۳۸۶)؛ Haeri (2012).
روش‌های اعمال انضباط کابردی	استفاده قدرت از انضباط اقتصادی، سیاسی و مذهبی	نراقی (۱۳۴۵)؛ اولویسه (۱۳۷۱)؛ بیرشک (۱۳۷۴)؛ جعفریان (۱۳۷۶)؛ سید کیاری (۱۳۷۸)؛ سادات بیدگلی (۱۳۹۶)؛ شیرین‌بخش و همکاران (۱۳۹۶)؛ رحمانیان و میرزایی (۱۳۹۷).
فضای زیسته		
مقوله‌های اصلی	مصداق‌های تاریخی	منابع مطالعاتی
حضور مردم در فضا	اهمیت آیین‌های مذهبی در حضور گروهی افراد در فضای شهری (مانند مراسم شمع‌زنی و چهل منبر، جریده‌گردانی، توغ‌گردانی، کل گردانی، بیرق‌گردانی، علامات‌گردانی، مراسم شام غریبان، مراسم شترگشان ویژه ماه محرم)	دیولافوا (۱۳۳۲)؛ دالمانی (۱۳۳۵)؛ آریبری (۱۳۳۶)؛ نراقی (۱۳۴۵)؛ دلواله (۱۳۴۸)؛ بزرگ‌زاد (۱۳۵۰)؛ راوندی (۱۳۵۴)؛ افشار (۱۳۵۵)؛ راوندی (۱۳۶۳)؛ گلچین معانی (۱۳۷۴)؛ سلمانی (۱۳۷۵)؛ صدیقی (۱۳۷۶)؛ وامبری (۱۳۸۱)؛ ناصرخت (۱۳۸۱)؛ نراقی (۱۳۸۲)؛ شجری (۱۳۸۴)؛ پاکدامن (۱۳۸۵)؛ نشاطری (۱۳۸۵)؛ کلمر (۱۳۸۵)؛ کلاتر ضرابی (۱۳۸۷)؛ رزمجو (۱۳۹۰)؛ چیت‌سازیان (۱۳۹۱)؛ فتوحی رومعجنی (۱۳۹۳)؛ مزعنی (۱۳۹۴)؛ جم (۱۳۹۵).

مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی کاشان با تکیه بر شاکله مفهومی جدل سه سویه لوفور

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، با بررسی منابع مطالعاتی موجود درباره تاریخ کاشان، به ۷۲ سند تاریخی پرداخته شد که به ویژگی‌های معماری و شهرسازی کاشان اشاره داشتند. سپس از مجموع این منابع، مقوله‌های اصلی در سه دسته فضاهای دریافته، پنداشته و زیسته و همچنین، مصداق‌های تاریخی آن‌ها مشخص شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه فضای دریافته، معماری کاشان، با نظمی اندام‌واره، متقارن، متراکم، تکرارشونده و مرکزگرا با پیکره‌ای ساده شکل گرفته است. همچنین، میان فضاهای اندرونی و بیرونی سلسله‌مراتب مشخص و دقیق رعایت شده است. در بافت شهری کاشان، فشردگی بالایی یا بیشترین دیوارهای اشتراکی دیده می‌شود و برای بهره‌گیری شهر از بهترین ویژگی‌های اقلیمی، جهت‌گیری اصلی از شمال به جنوب و گذرها شعاعی بوده‌اند. دسته‌بندی عملکردها از دیگر ویژگی‌های معماری کاشان است که در قالب فضاهای زمستان‌نشین و تابستان‌نشین پیرامون حیات مرکزی مستقر می‌شدند. برای بهبود شرایط محیطی و همچنین، افزایش قابلیت دفاعی شهر، هندسه کاشان در دایره‌ای محصور و نفوذناپذیر بوده که دروازه‌هایی مشخص داشته است. اصلی‌ترین محور گسترش شهر در راستای بازار با هندسه مرکزگرا بوده است. بافت شهر کاشان، تقسیم‌بندی دقیقی بر اساس مذهب افراد، طبقه اجتماعی و موقعیت شغلی آنان داشته است. گذرهای شهر کاشان به دلیل ملاحظات اقلیمی و سلسله‌مراتب فضایی در نقاب و حجاب بوده و فضاهای حائل یا میان‌دَر نقش مهمی در ارتباط فضایی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که هیچ‌گونه دیدی مستقیمی به فضاهای داخلی وجود نداشته و بنا به ضرورت، از فضاهای میان‌دَر برای حفظ حریم استفاده می‌شده است. استفاده از ورودی‌های متعدد، تعدد اتاق‌ها، هشتی‌ها، دالان‌ها و جلوخان‌ها همگی از جمله تمهیدات معماری کاشان برای پرهیز از ورود دید و حضور فردی غریبه به فضاهای اندرونی بوده است. در شهرسازی نیز، محله‌های شهر بر اساس سلسله‌مراتب فضایی و دسترسی و همچنین، با توجه به ملاحظات مذهبی و وابستگی‌های قومی و حرفه‌ای تفکیک شده‌اند. این نظم و انضباط فضایی همراه با دگرگونی‌های انضباط اقتصادی از سال‌های پایانی دوره قاجار و آغاز سلسله پهلوی، دستخوش دگرگونی‌های دفعی و آمرانه شد؛ به گونه‌ای که کالبد و پیکره شهر به ناگهان تغییر یافت. تغییر شیوه تولید کارگاه‌های سنتی، تغییرات شبکه گذرهای درون‌شهری و بین‌شهری، بناهای شاخص و جدیدی که با ساختمان‌های پیرامونی خود متفاوت بودند و در حاشیه خیابان‌های جدید مستقر می‌شدند از جمله این دگرگونی‌های یک‌باره‌اند.

بر اساس منابع تاریخی، در منطقه کاشان، قلعه‌های متعددی وجود داشته که حافظ مجتمع‌های زیستی موجود در این محدوده بوده‌اند. این قلعه‌ها وظیفه حفاظت و مدیریت منابع آب موجود در منطقه را انجام می‌دادند. مطالعات تاریخی درباره فضای پنداشته نشان داد که شکل‌های تاریخی قدرت در کاشان و قم همراه با یکدیگر شکل گرفته‌اند. شهر کاشان در طول تاریخ، همواره از کانون‌های اصلی مذهب شیعه در ایران به شمار می‌آمده است. شکل‌های فضایی شهر نیز، پس از آنکه مدرنیسم به ایران راه گشود، دستخوش تغییرات چشمگیری شد. در طول تاریخ، قدرت داخلی در پی استفاده از نظم سیاسی، مذهبی و اقتصادی برای مهار فضا در شهر کاشان بوده که این نظم و انضباط در دوران صفوی، قدرتمند و در دوران قاجار، آشفته و از هم گسیخته عمل کرده است. قدرت‌های استعمارگر خارجی نیز، همواره در پی سلطه بر کشور از طریق مهار قطب‌های اقتصادی، سیاسی و مذهبی بوده‌اند. با توجه به اهمیت تاریخی کاشان، رکود اقتصادی ایران در سال‌های پایانی قاجار، منجر به رکود فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در شهر شد به گونه‌ای که تلاش قدرت پهلوی برای تزریق صنعت به شهر بی‌نتیجه ماند.

در ساحت فضای زیسته کاشان، آیین‌های فرهنگی-مذهبی نقش پررنگی در فضای زیسته مردم داشته‌اند. برای مثال، در مراسم ماه محرم، آیین‌هایی مانند مراسم شترکشان بر حضور مردم در فضاهای جمعی شهری تأثیرگذار بوده است. افزون بر آن، هر یک از این آیین‌ها، با توجه به ماهیت خود، حال‌وهوای متفاوتی به این حضور جمعی در فضا بخشیده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Spatial Practice
2. Representation of Space
3. Representational Space
4. Perceived Space
5. Conceived Space
6. Lived Space

منابع

۱. آروین، جان آرتور (۱۳۳۶)، *میراث ایران*، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. آروین، عباسعلی و نیازی، محسن (۱۳۸۵)، «خانه‌های تاریخی کاشان؛ ویژگی‌های اقلیم‌شناختی معماری بومی شهر کاشان»، فصلنامه کاشان‌شناخت، سال اول، شماره ۳، ۱۰۷-۸۳.
۳. آریانپور، عباس و آریانپور، منوچهر (۱۳۸۵)، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، تهران: جهان رایانه.

مطالعه تاریخ معماری
و شهرسازی کاشان با
تکیه بر شاكلة مفهومی
جدل سه سویه لوفور



۴. آژند، یعقوب (۱۳۸۷)، نگارگری ایرانی، تهران: سمت.
۵. افشار، ایرج (۱۳۵۵)، مختصر جغرافیای کاشان، تألیف عبدالحسین سپهر، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۲، ۴۳۰-۴۵۸.
۶. اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، سفرنامه اولیویه، گردآوری غلامرضا ورهرام، ترجمه محمدطاهر قاجار، تهران: اطلاعات.
۷. بزرگ زاد، حبیب‌الله (۱۳۵۰)، جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران قبل از اسلام، اصفهان: چاپخانه داد.
۸. بلاذری، احمد ابن یحیی (۱۳۶۴)، فتوح البلدان، گردآوری محمد فروزان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش.
۹. بیرشک، ثریا (۱۳۷۴)، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ، کتاب اول: از آغاز تا آخر دوره سلجوقیان»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۳۷۹-۳۹۹.
۱۰. پاکدامن، ناصر (۱۳۸۵)، «کاشان در صد سال پیش»، فرهنگ مردم، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۶-۲۵.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، «پیشینه تشیع در کاشان»، کیهان اندیشه، شماره ۷۲، ۱۸۳.
۱۲. چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۹۱)، «رنگ و رنگرزی در فرش کاشان»، کاشان شناخت، دوره ۵، شماره ۲، ۱۱۶-۱۳۵.
۱۳. حائری، محمدرضا، اعتماد، گیتی و حسامیان، فرخ (۱۳۸۳)، شهرنشینی در ایران، تهران: آگاه.
۱۴. حبیبی، میترا و برزگر، سپیده (۱۳۹۷)، «معیارهای ضربه‌نگ‌کاوی زندگی روزانه در تولید اجتماعی فضای شهری با تکیه بر تجارب پژوهشی»، صفا، سال بیست‌وهشتم، شماره ۸۱، ۴۷-۶۳.
۱۵. حیدرخانی، مریم (۱۳۹۴)، «نقاشی ایرانی در مقام منبع تاریخی معماری ایران»، مطالعات معماری ایران، سال چهارم، شماره ۷، ۱۵۱-۱۶۳.
۱۶. حیدری، علی‌اکبر، قاسمیان اصل، عیسی و کیایی، مریم (۱۳۹۶)، «تحلیل ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا، مطالعه موردی: مقایسه خانه‌های یزد، کاشان، اصفهان»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۷، ۲۱-۳۳.
۱۷. خدابخشیان، مقدی و مفیدی، مجید (۱۳۹۳)، «فضاهای زیرزمینی در معماری اقلیم گرم و خشک»، هویت شهر، سال هفدهم، شماره ۸، ۳۵-۴۴.
۱۸. دادور، صدیقه، دانش، فاطمه و عباسی، زهرا (۱۳۹۵)، «بررسی ساختار کالبدی بازار به عنوان عنصر حیاتی شهرهای قدیم؛ موردپژوهی: بازار کاشان»، مدیریت شهری، سال پانزدهم، شماره ۴۴، ۲۳۱-۲۵۲.
۱۹. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران:

- امیرکبیر.
۲۰. دلاواله، پیترو (۱۳۴۸)، *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. دیولافوا، ژان (۱۳۵۷)، *سفرنامه مادام دیولافوا: ایران، کلده، شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: خیام.
۲۲. راوندی، مرتضی (۱۳۵۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
۲۳. — (۱۳۶۳)، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد ششم، تهران: امیرکبیر.
۲۴. رجبی، پرویز (۱۳۸۵)، کاشان در زمان ناصرالدین‌شاه و مشروطیت، *گنجینه اسناد*، ۶۲، ۹۵-۸۵.
۲۵. رحمانیان، داریوش و میرزایی، مهدی (۱۳۹۷)، «نظام مالکیت آب در روزگار قاجاریه؛ نمونه موردی: کاشان و پیرامون»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۸ (۲)، ۲۵-۱.
۲۶. رزمجو، توران (۱۳۹۰)، «نگاهی به مکتب واسوخت در تاریخ ادبیات ایران»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۶۲، ۸۴-۸۰.
۲۷. رضایی‌پور، مریم و ایرانی بهبهانی، هما (۱۳۹۵)، «باغ کهنه فین و محدوده میان آن تا باغ فین»، *مطالعات معماری ایران*، سال اول، شماره ۹، ۲۳-۷.
۲۸. زارع، لیلا، نقی‌زاده، محمد و حریری، شراره (۱۳۹۱)، «رابطه طبیعت و حیاط مرکزی با نگاه به معماری مسکن ایرانی کاشان»، *هویت شهر*، سال ششم، شماره ۱۲، ۶۰-۴۹.
۲۹. زندیه، مهدی و پروردی‌نژاد، سمیه (۱۳۸۹)، «توسعه پایدار و مفاهیم آن در معماری مسکونی ایران»، *مسکن و محیط روستا*، سال ۲۹، شماره ۱۳۰، ۲۱-۲.
۳۰. زنگنه، زهره (۱۳۸۵)، «سفرنامه کاشان»، *فرهنگ مردم*، شماره ۱۹ و ۲۰، ۳۵-۲۶.
۳۱. سادات بیدگلی، سید محمود و ساروخانی، زهرا (۱۳۸۷)، «بررسی علل تاریخی-اقليمی ایجاد اوی‌ها در منطقه کاشان»، *گنجینه اسناد*، سال اول، شماره ۱، ۳۶-۲۵.
۳۲. سلطان محمد میرزا قاجار (۱۳۶۴)، *سفرنامه سیف‌الدوله معروف به سفرنامه مکه*، گردآوری علی‌اکبر خداپرست، تهران: نشر نی.
۳۳. سید کباری، علیرضا (۱۳۷۸)، *حوزه‌های علمی شیعیه در گستره جهان*، تهران: امیرکبیر.
۳۴. شاردن، سر جان (۱۳۶۶)، *سیاحت‌نامه شاردن*، جلد سوم، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
۳۵. شاطری، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، «محرم در کاشان»، *فرهنگ مردم*، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۰۵-۹۸.
۳۶. شجری، رضا (۱۳۸۴)، «دگرگونی‌های صوتی و آوایی در لهجه کاشانی»، *کاشان‌شناخت*، شماره ۱، ۵۱-۳۸.
۳۷. شورچه، محمود (۱۳۹۳)، *فوکو فضا و برنامه‌ریزی*، تهران: انتشارات مدیران امروز.

۳۸. شیرین‌بخش، زهره و دیگران (۱۳۹۶)، «رابطه مالیاتی دولت و اصناف در دوره پهلوی اول: نارضایتی از مالیات صنفی»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۱، ۱۵۵-۱۸۸.
۳۹. صادقی، مصطفی (۱۳۸۶)، *کاشان در مسیر تشیع*، جلد اول، قم: شیعه‌شناسی.
۴۰. صدراپی خویی، علی (۱۳۷۳)، *سیمای خوی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۱. صدری، مهدی (۱۳۷۶)، «اصطلاحات کشاورزی منطقه کاشان»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۱۱، ۶۶-۷۴.
۴۲. طاهباز، منصوره، جلیلیان، شهربانو و موسوی، فاطمه (۱۳۹۱)، «آموزه‌هایی از معماری اقلیمی گذرهای کاشان: تحقیق میدانی در بافت تاریخی شهر»، *مطالعات معماری ایرانی*، سال اول، شماره ۱، ۵۹-۸۳.
۴۳. طاهباز، منصوره و دیگران (۱۳۹۲)، «نورپردازی طبیعی در خانه‌های سنتی کاشان»، *مطالعات معماری ایرانی*، سال اول، شماره ۴، ۸۷-۱۰۸.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۰)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، قم: صدرا.
۴۵. طبیبیان، منوچهر، چریگو، نصیبه و عبدالحی مهر، انسیه (۱۳۹۰)، «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی اسلامی»، *آرمان‌شهر*، سال چهارم، شماره ۷، ۶۳-۷۶.
۴۶. عباس‌نیا، محسن، ابراهیم‌زاده، عیسی و عسگری، الهه (۱۳۹۰)، «شناسایی و ارزیابی دقیق نواحی آب و هوایی استان اصفهان از دیدگاه آسایش اقلیم گردشگری»، *اندیشه جغرافیایی*، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۲۷-۱۴۹.
۴۷. غفوریان، میترا، پی‌سرخ، مینا و حصار، الهام (۱۳۹۶)، «گونه‌شناسی سازمان فضایی و سلسله‌مراتب ورود در خانه‌های ایرانی با تأکید بر محرمیت»، *نشریه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، سال سوم، شماره ۷، ۱۲۹-۱۴۴.
۴۸. فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۹۳)، «سبک واسوخت در شعر فارسی»، *ویژه‌نامه نامه فرهنگستان (شبه قاره)*، سال دوم، شماره ۳، ۷-۳۳.
۴۹. فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی.
۵۰. فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
۵۱. قاضی، جواد، رضا خضری، سید احمد و عطارزاده، عبدالکریم (۱۳۹۲)، «مقایسه ساختار و اجزای ورودی بناهای مذهبی و غیرمذهبی کاشان در دوره قاجار»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال چهل‌وششم، شماره ۲، ۲۱۵-۲۳۵.
۵۲. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، جلد دوم، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۵۳. کَرنگ، مایک و ثریفت، نایجل (۱۳۹۴)، *اندیشیدن درباره فضا*، ترجمه محمود عبداللهزاده، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۵۴. کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)، *تاریخ کاشان*، گردآوری ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۵۵. کلمر، ژان (۱۳۸۵)، کاشان در دایره المعارف اسلام، فرهنگ مردم، ترجمه پانته‌آرنجبر محمدی، ۱۹ و ۲۰، ۱۳-۱۰.
۵۶. کلمن، ناتانیل (۱۳۹۶)، *لوفور برای معماران*، مجموعه اندیشمندان برای معماران، جلد دوم، ترجمه سپیده برزگر، تهران: فکر نو.
۵۷. کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۵)، *شهرهای ایران، نظری اجمالی در شهرسازی و شهرنشینی در ایران*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵۸. گرجی مهبانی، یوسف و دیگران (۱۳۹۰)، «ارزیابی معماری همساز با اقلیم در خانه‌های کاشان»، *آرمان‌شهر*، سال چهارم، شماره ۷، ۳۱-۴۰.
۵۹. گلچین معانی، احمد (۱۳۷۴)، *مکتب وقوع در شعر فارسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۶۰. محمدی، عرفان و مختاری، مهدیه (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر معماری سنتی بر معماری معاصر با نگاه بر معماری شهر کاشان»، *معماری‌شناسی*، سال اول، شماره ۲، ۱-۱۰.
۶۱. مزرعتی، احمد (۱۳۹۴)، *آیین‌های سنتی و سنت‌های آیینی در کاشان*، کاشان: دعوت.
۶۲. مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۶)، «سروستانی در ربع مسکون با باغ تاریخی فین»، *هنر و مردم*، شماره ۵۸، ۱۵-۸.
۶۳. موقر، حمیدرضا، رنجبر، احسان و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۴)، «بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران»، *مطالعات معماری ایران*، سال اول، شماره ۸، ۳۵-۵۶.
۶۴. ناجی نصرآبادی، محسن (۱۳۸۷)، *فیض نامه*، ترجمه ابوالقاسم نقیعی، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
۶۵. نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۷)، «تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان»، *نامه معماری و شهرسازی*، سال اول، شماره ۱، ۱۱۱-۱۲۶.
۶۶. نراقی، حسن (۱۳۴۳)، *بنای تاریخی تلگرافخانه کاشان*، هنر و مردم، ۲۹، ۲۱-۲۵.
۶۷. — (۱۳۴۵)، *تاریخ اجتماعی کاشان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۶۸. — (۱۳۸۲)، *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۶۹. نصر، سید حسین (۱۳۷۳)، «عالم خیال و مفهوم فضا در مینیاتور ایرانی»، *فصلنامه هنر*، شماره ۲۶، ۷۹-۸۶.
۷۰. نوابخش، مهرداد، شیرازی، محمد و آقااحمدی، قربانعلی (۱۳۹۳)، «نگرشی جامعه‌شناسانه بر معماری

- خانه‌های تاریخی کاشان»، هویت شهر، سال هشتم، شماره ۲۰، ۴۵-۵۴.
۷۱. وارثی، حمیدرضا، زنگی آبادی، علیرضا و وفایی، ابودر (۱۳۸۵)، «سیر تحولات تاریخی و کالبدی بافت قدیم کاشان»، فصلنامه کاشان شناخت، سال سوم، شماره ۱، ۱۲۷-۱۵۵.
۷۲. وامبری، آرمین (۱۳۸۱)، *زندگی و سفرهای وامبری*، ترجمه محمدحسین آریا لریستانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
73. Aronowitz, S. (2007), The Ignored Philosopher and Social Theorist: On the Work of Henri Lefebvre. *Situation: Project of the Radical Imagination*, 2 (1), 133-156.
74. Cohn, M. (2003), *Radical Space: Building the House of the People*. New York: Cornell University Press.
75. de Certeau, M. (1984), *The Practice of Everyday Life*. Berkeley: University of California Press.
76. Elden, S. (2006), Some Are Born Posthumously: The French Afterlife of Henri Lefebvre. *Historical Materialism*, 14 (4), 185-202.
77. Goonewardena, K. (2008), Marxism and Everyday Life: on Henri Lefebvre, Guy Debord, and Some Others. In K.
78. Harvey, D. (1981), The Spatial Fix - Hegel, Von Thunen, and Marx. *Antipode*, 13 (3), 1-12.
79. Laurier, E., & Philo, C. (2007), 'A parcel of muddling muckworms': revisiting Habermas and the English coffee-houses. *Social & Cultural Geography*, 8 (2), 259-281.
80. Lefebvre, H. (1960) in Kofman, E., & Lebase, E. (2003), *Henri Lefebvre: Key Writings (Athlone Contemporary European Thinkers)*, (S. Elden, Ed.), London: Continuum.
81. Lefebvre, H. (1970), The urban revolution. (N. Smith, Trans.) (Vol. null), Minneapolis: University of Minnesota Press.
82. Lefebvre, H. (1973), Survival of capitalism: reproduction of the relations of Production. London: Allison & Busby.
83. Lefebvre, H. (1974), The production of space. (D. Nicholson-Smith, Trans.), Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
84. Lefebvre, H. (1992), *Rhythmanalysis: Space, Time and Everyday Life (Bloomsbury Revelations)*, (S. Elden, Trans.), New York: Continuum.
85. Lehtovuori, P., & Koskela, H. (2013), From Momentary to Historic: Rhythms in the Social Production of Urban Space, the Case of Calçada De Sant'Ana, Lisbon. *The Sociological Review*, 61 (1), 124-143.
86. Madanipour, A. (1996), *Design of Urban Space, An Inquiry into a Socio-spatial Process*. New York: Wiley.
87. Merrifield, A. (1993), Place and Space: A Lefebvrian Reconciliation. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 18 (4), 516.
88. Merrifield, A. (2006), *Henri Lefebvre: a Critical Introduction*. New York: Routledge.
89. Prescott, H. (2011), *Rethinking Urban Space in Contemporary British Writing*. A thesis submitted for the degree of doctor of philosophy. The University of Birmingham, School of Arts and Law.
90. Shields, R. (1999), *Love and Struggle: Spatial Dialectics*. London: Routledge.
91. Simpson, P. (2008), Chronic everyday life: rhythm-analysing street performance 1. *Social & Cultural Geography*, 9 (7), 807-829.
92. Schmider, V. (2012), *Living Belfast: Representations of the City in Glenn Patterson's Novels*, Thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. Humboldt-Universität zu Berlin, school of literature.